

دوزخنامه: گفتگو با اهریمن - بخش نخست

(مصاحبه با شیطان)

حنیف معلم

این نخستین مصاحبه با جناب شیطان است که برای همگان انتشار می‌یابد. جناب شیطان شخصاً قبول زحمت فرموده در این مصاحبه شرکت کرده که به شکل اختصاصی شرح این مصاحبه به حضور شما می‌گوش می‌شود.

جناب شیطان بسیار سپاسگزارم که در این مصاحبه شرکت کردید. برای حقیقی تر بودن این مصاحبه من ابتدا پرسشهایی رو مطرح میکنم و این مصاحبه ضبط میشه و سپس من اون رو به صورت متن در میارم و برای خوانندگان علاقه مند چاپ میکنم. ما میخوایم این مصاحبه دقیق و کامل و بدون سانسور باشه تا مردم خیال نکنن که مثل مصاحبه های جمهوری اسلامی ساختگی و تقلبیه! بنابر این من همه ی پاسخهای شما رو مو به مو عیناً بازتاب خواهم داد. البته شما هم می تونید بعداً اونو از ما کش برید و در هفته نامه دوزخ خودتون چاپش کنید تا طرفداران شما در دوزخ هم بتونن اونو بخونن و با شما بیشتر آشنا بشن.

(صدای کلیک کلید ضبط صوت- حنیف معلم ضبط رو آغاز می کنه)
(صدای روشن شدن کبریت- شیطان سیگار برگی برای خودش آتیش میکنه)
(صدای یخ و لیوان- شیطان یک پیک عرق جهنمی برای خودش میریزه)

ح- سپاس دوباره از شما جناب شیطان که وقت خودتون رو در اختیار ما و خوانندگان قرار دادید. من بسیار خوشوقتم که میتونم در اینجا چهره ی واقعی شما رو به خوانندگان معرفی کنم بدون اینکه رژیم جمهوری اسلامی و یا مسلمانان اصلاح طلب بتونن چیزی به این نوشته اضافه کنن یا توی اون دست ببرن. همونطور که آگاه هستید، من پیش از شما گفتگوی مفصلی هم با خدا انجام دادم که متأسفانه اصلاً رضایتبخش نبود و خدا مردم زیادی رو از خودش دلسرد کرد. به هر روی امیدوارم که این مصاحبه خیلی هیجان انگیز تر از مصاحبه پیشین باشه و دست کم طرفداران شما از شما دلگیر نشن.

جناب شیطان، به عنوان نخستین پرسش؛ اینجور که از گفته ها برداشت میشه و دوزخ شما رو برای مردم به تصویر میکشن، دوزخ باید به طور کلی جای بسیار دیدنی و جذابی باشه- فواره های آتشین،

اژدهای دو سر در باغ وحش، کنسرت های خوانندگان مشهور بر روی سکویی از آتش در حالی که میکروفون آتشی در دست دارن، نمایش فرو کردن گرز آتشین در نشیمن گاه مردم و ... به طور کلی اتفاقات سرگرم کننده زیادی در جریان هست. آیا این همه ی امکاناتی است که شما در دوزخ دارید یا اینکه قصد دارید امکانات جدید هم اضافه کنید؟ برای نمونه اسکی روی آب ولی آبی که از شعله های آتش هست و یا زمین های بسکتبال با حلقه های بسکتبالی که از دود ساخته شده؟

(شیطان با یک جرعه از عرق جهنمی لبی تر میکنه و لیوانش رو روی میز میذاره)

ش- راستش اسکی بر روی دریاچه آتشین رو فعلا متوقفش کردیم چونکه خیلی خطرناکه، هرچی باشه ما به فکر امنیت شهروندان دوزخ هستیم. حتی نوشیدنی های جهنم که در لیوان آتشی سرو میشدن، الان دیگه دسته های عایق گرما براشون در نظر گرفتیم. تنها کسانی که هنوز گذاشتیم که کنار دریاچه آتش زندگی کنن، آخوندها هستن. در اون منطقه کلا فقط آدمهای خیلی رذل و حرام زاده رو اسکان دادیم (با پوزش از بی ادبی). ساکنین اون منطقه بیشتر مسلمانهایی هستن که سعی در فریب مردم داشتن، مثلا نوشته چاپ میکردن یا برنامه تلوزیونی درست میکردن که مردم رو گول بزنن. کسایی که مذهب و اسلام رو ماله کشی میکردن. یه دسته دیگه، مسلمونای فوکول کراواتی هستن مثل علی شریعتی یا ابراهیم یزدی و بقیه. حالا همه رو نمی خوام اسم ببرم، تعدادشون خیلی زیاده نس ناسا! (شیطان یک جرعه دیگه می نوشه)

آره داشتم میگفتم، آخه شما که خودتون بهتر میدونید، یه آخوند ملاقوزی مثل خمینی که به تنهایی کاری ازش نمیداد، لامسب بوی گند و ریش پر از شپشش از چند فرسخی آدم رو فراری میده! این دور و بری هاش و مسلمان های به ظاهر تحصیل کرده هستن که نقش اصلی رو در سیه روز و بیچاره کردن مردم دارن.

یه کم بالاتر روی تپه های اطراف دریاچه، کشیش های کاتولیک خونه دارن. آخه اونا هم مثل آخوندها، ناکسا همه بچه بازن! الان واسه هر کدومشون دو تا بچه اژدهای دو سر مامور کردم که حالشونو جا بیارن.

بقیه ساکنین منطقه، کمی دورتر، همه کشیش و خاخام و مفتی و از اینجور آدما هستن که یک عمر به مردم دین فروختن و جیباشونو پر کردن...

ح- جناب شیطان، با عرض پوزش ولی یه کم از پرسش اصلی پرت شدیم و در ضمن دارید پاتونو روی خرده نان میگزارید! ممکنه که بعضی ها خوششون نیاد و این آدمهایی که نام بردید بعدا برای شما ایجاد درد سر بکنن. زبانم لال ممکنه که مامور هاشونو سراغ شما بفرستن تا به شما تجاوز کنن!

ش- بله، درست میگید، برگردیم سر پرسش اصلی- در مورد زمین بسکتبال با حلقه های دودی، ایده ی بسیار جالبی است! نمیدونم چرا زودتر به فکر خودم نرسیده بود! ما همیشه از همان حلقه های معمولی استفاده می کردیم. حتما این ایده ی شما را در پارلمان دوزخ مطرح میکنم. راستش ما دوست نداریم که دوزخ مثل بهشت یکنواخت و خسته کننده باشه، به همین خاطر از ایده های جدید استقبال می کنیم. ما همیشه بهترین کنسرت ها رو با شرکت خوانندگان محبوب اهالی دوزخ برگزار کردیم. شما چه جای دیگری را سراغ دارید که در زیر آبشار نیاگرای آتشین کنسرت نوروزی برگزار شده باشه؟ ما در همه

ی جشن ها و میهمانی های خودمون مشروب مجانی سرو میکنیم و با کباب کوبیده ی مخصوص که بر روی آتش تنور مرکزی جهنم درست شده از مردم پذیرایی میکنیم. باور بفرمایید امکانات ما حرف نداره به جان شما! در همین کنسرت آخری خود "آقای صدا" همراه با مردم در مهمانی شام شرکت کرد و تا بامداد همه مشغول رقص و پایکوبی و باده نوشی بودن. شما جای دیگری سراغ دارید که در میهمانی شخص "بانوی آواز" شام رو آماده کنه و به سر میز بیاره؟ امکانات دوزخ بهترین هستن!

(شیطان پک عمیقی به سیگار برگش میزنه)

ح- عجب! به نظر میرسه که جای بسیار دیدنی ای درست کردید! همه ی جاهای دیدنی و بهترین سرگرمی ها رو در دوزخ گردآوری کردید. حتما باید زحمت بسیار زیادی کشیده باشید؟ آیا گمان می کنید که تبلیغات منفی و دروغ آخوندها و کشیش ها و ... از بازدید کننده های دوزخ کم کنه؟ و اگر چنین هست، آیا خیال دارید که تبلیغات مثبتی درباره دوزخ در رسانه ها پخش کنید؟

ش- از همان آغاز آفرینش همیشه تبلیغات بدی درباره جهنم شده. ولی من رسانه ها یا سینما رو مقصر نمی دونم. مقصر اصلی در این باره در واقع خود خدا است! خدا خیلی حسود و لجبازه، کلا خیلی وسواسیه. اصلا جنبه رقابت رو نداره و نمی تونه ببینه که یکی بهتر از خودشه! اصلا نمیتونه تحمل کنه که ببینه اگر کسی به موفقیتی دست پیدا کنه، الزاما به خاطر خدا نبوده. از همون ابتدا همیشه از من بدگویی کرده، موسی و عیسی و محمد رو فرستاد که از من پیش مردم بد بگن. راستش رو بخوای یک روز که از شدت حسادت از دست من خیلی عصبانی بود، تلافیشو سر مردم بیچاره در آورد و موسی رو فرستاد تا یه قانون تازه وضع کنه و گفتش که از این به بعد همه مردها باید سر آلتشونو ببرن!
خدا خودش مسئول همه جنگها و بیماریهاست، خودش مسئول طاعونه. خود خدا باعث شد که عیسی الکی بشه و هر موقع هم که مالیاتها میره بالا یا بحران اقتصادی میشه، مسئولش خداست!
خدا خیلی کینه جو و نس ناسه!

من روزی که بتونم کنترل رسانه ها و بلندگو ها رو از دست این نس ناس در بیارم، تبلیغات خودم رو آغاز می کنم. سربازان دوزخی خودم رو خواهم فرستاد و زمین رو دوباره همچون بهشت خواهم کرد. زمینیان دوباره همه شادمان و خوشبخت خواهند شد و انسان بر زمین حکومت خواهد کرد.

ح- خوب اینجا یک پرسش خیلی داغ به ذهن من می رسه؛ -با کنایه عرض میکنم- در کتاب "خوب" یا قرآن (که همان عربی "خواندنی" هست)، "تنها خدای راستین- الله" به مردم اخطار میده که: "شما هیچ خدایی جز من را نباید پرستش کنید!" این خودش ظاهرا اینچنینه که خود الله داره با صدای بلند اعلام میکنه که خداهای دیگری هم در واقع وجود دارن.
شاید شما به خاطر جایگاه ویژه ای که دارید، بتونید خوانندگان ما رو در این باره کمی آگاه کنید و توضیح بدید که آیا واقعا خداهای دیگری هم وجود دارن؟

ش- راستش الله حرف چرند زیاد گفته! و بله، البته که خداهای دیگری هم وجود دارن. برای نمونه خود من خدای دوزخ و تاریکی هستم و مردم هم منو با نامهای گوناگونی میشناسن. حقیقت اینه که خدا سعی داره که اهمیت نفوذ و تاثیر من بر جهان رو کوچک جلوه بده و البته آشکاره که در این مورد ناتوان

هست. و این بر میگردد به بیماری مالیخولیایی که خدا به اون دچاره. اون هرگز نتونسته که دامنه فعالیت منو کاهش بده.

خدا همچنین همیشه همه ی آنچه که خوب هست رو پای خودش مینویسه و همه ی بدی ها رو به حساب من میذاره و منو به خاطر اونا سرزنش میکنه. به جهنم! نصف مردم بهشت الان در واقع زوری و بر خلاف میل خودشون اونجا نگه داشته شدن. همه ی اونا دلشون میخواد که به جهنم بیان. این چیه نشون میده؟ خدا فقط سهم بیشتری از همه چیز رو برای خودش برداشته، اون هم فقط به خاطره اینه که من خودم اجازه دادم. در واقع من بر زمین حکمرانی میکنم و به خدا اجازه میدم که اونجا گند بالا بیاره! این در واقع کار منم ساده تر کرده و من فقط نظاره میکنم.

پس در واقع میبینید که من و خدا، خودمون دو نیروی الهی اصلی هستیم. اما نیروی ما به طور مساوی تقسیم نشده. در واقع اگر که بخواهید ما رو مثل دو کشور تصور کنید، من مثل ایالات متحده هستم و خدا مثل فرانسه! خدا خودش هم اینو بخوبی میدونه، بهمین خاطر هم هست که پس از گذشت هزاره ها، هنوز جرات نکرده که سر به سر من بذاره.

(من خنده ای زیر لبی میکنم و شیطان جرعه ی دیگری از نوشیدنی جهنمی مینوشه و پکی به سیگارش میزنه)

ح- نکات جالبی رو بیان کردید جناب شیطان! بگزارید اگر موافق هستید سر موضوع دیگری برویم، نمی خوام خون شما بیش از این به جوش بیاد! بگزارید کمی بیشتر در مورد دوزخ و امکانات و جذابیتهای اون صحبت کنیم.

من مطمئن هستم که نسلهای آینده دوست دارن با چیزهایی که با علاقه های اونها همخوانی بیشتری داره خودشون رو سرگرم کنن.

اینطور شایعه هست که شما خیال دارید "بانوی رقص" و گروه موسیقی "گربه ها" و همچنین شاخه ای از تیمهای طرفدار ورزشی مانند "تاج" و "پرسپولیس" رو برای تورنمنت دوزخ دعوت کنید. آیا براستی چنین برنامه هایی دارید؟

ش- من خودم شخصا به خواننده های کافه های لاله زار و خیابان پهلوی خیلی علاقه داشتم. آهنگهای خانم "شاه ماهی" رو هم گوش میکردم و از ترانه سرراهایی که اون ترانه ها رو مینوشتن قدر دانی میکنم. البته من خواننده ها و گروه های موسیقی همه ی جهان رو دوست دارم و گروه "بیتل ها" و خانم "مدونا" و... هم جزو هنرمندان مورد علاقه من هستن. "مایکل جکسن" هم که خوشبختانه بتازگی به ما پیوسته و به جمع ما اضافه شده و به کنسرت های دوزخی شور و حال بیشتری بخشیده. موزیک ویدئو جدیدش به کمک مرده های گرامی بازسازی شده و بسیار واقعی و با شکوه هر شب اجرا میشه.

البته در ایران پس از شورش خمینی، جوانها بیشتر به موسیقی رپ و زیرزمینی رو آوردن که از بین اونها هم چند نفری رو زیر نظر دارم تا در آینده از اونها هم دعوت کنم.

در مورد مسابقات ورزشی هم که همیشه لیگهای جهنمی از شور و حرارت خاصی برخوردار بوده که البته تصمیم داریم بازیکنهای مورد علاقه مردم را هم به این مسابقات دعوت کنیم.

جهنم رو میشه در واقع گفت که مثل یک پارک تفریحی بزرگ مانند "دیزنی لند" هست. البته خیلی بزرگتره و چیزهای مسخره و بی فایده در اون وجود نداره. در اینجا همه جور سرگرمی برای همه کس

پیدا میشه، حتی برای آخوند ها و کشیش های نس ناس! مثلا کشیش های کاتولیک الان با بچه اژدها های دو سر خیلی سرگرم و خوشحال هستن و من فکر میکنم از اینکه این بچه اژدها ها با اونها نزدیکی می کنن خیلی هم لذت می برن!

برای آخوندهایی مثل خمینی هم امکانات ویژه ای مناسب با علاقه های شخصیشون در نظر گرفتیم. مثلا خمینی با گونه های مختلفی از حیوانات جهنمی نزدیکی میکنه و نتایج اون رو هم در توضیح المسائلش مینویسه. البته فرقی که اینجا داره اینه که حیوانات جهنمی از نشیمنگاهشون بادهای آتشین خارج میشه و خمینی الان از چند ناحیه دچار سوختگی شدیدی شده. البته یک ماه در سال رو هم بهش اجازه دادیم که روزه بگیره و خودش به قرآن قسم میخوره که در اون یک ماهی که روزه هست، بیشتر از دو سانتیمتر از آلتش رو داخل نمیکنه! درست از روی توضیح المسائل!

(شیطان پک آخر رو به سیگارش میزنه و اون رو توی زیرسیگاری خاموش می کنه)

ح- جناب شیطان با سپاس بسیار از وقت شما و اینکه قبول کردید در این گفتگو شرکت کنید. راستش کم کم تحمل حرارت وجود شما برای من سخت شده و شما هم کمی سنگول به نظر می رسید و بعضی از این گفته های شما برای همه ی خوانندگان ما مناسب نیست. البته پرسشهای دیگری هنوز باقی مونده که من میخوام از این فرصت استفاده کنم و از شما خواهش کنم گفتگوی دیگری با ما در هفته آینده داشته باشید تا بخش دوم این پرسشها رو مطرح کنیم.

ش- بله البته من هم از شما سپاسگزارم و در همینجا از شما دعوت میکنم که هفته آینده یک سر به دوزخ تشریف بیاورید تا با هم لبی به باده بزنینم و در کنار استخر یخی شخصی من ادامه این گفتگو رو انجام بدیم.

ح- با سپاس از شما. در بخش دوم این گفتگو پرسشهای داغی رو در مورد روز قیامت و نشانه های آن در قرآن مطرح می کنیم و نظر جناب شیطان را در باره آن جویا میشویم. همچنین در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران، مرگ آخوند منتظری، و درگذشت شجاع الدین شفا گفتگو خواهیم کرد. تا بخش دوم این گفتگو، بدرود.

(صدای کلیک کلید استاپ ضبط صوت)